



شرح جامع، شریف و بی‌بدیل جناب استاد کریم‌زمانی، حاصل تلاش بیش از یک دهه از عمر پربرکت ایشان است که بی‌هیچ شکسته نفسی، نیازی به تنقید این حقیر شکسته قلم - که هرگز در این وادی یقین و سرمستی جایی حتی به قدر یک قدم ندارد - ندارد. اما ضرورت بر این عاصی ایجاب می‌نماید که برای سپاس و قدردانی از زحمات فرهنگی مردی وارسته و نیک‌نفسی به دور از غوغای معرکه و قیل و قال این عجزه هزارادامه، باید که قلمی، قدمی بردارد، این قلم شکسته بی‌قلمدان، دل به خیمه بی‌عمود این روزگار زده و سخن‌دانی و سخن‌سنجی و سخن‌پروری و سخن‌پردازی و سخن‌روایی را به تعریف می‌نشیند.

از روزگار رحلت حضرت مولانا تا روزگار ما، حق‌گویان و حق‌جویان لحظه لحظه عمر شیرین را به درک حقایق و فهم دقائق مثنوی مصروف داشته‌اند. برخی از این خوشه‌چینان خرمن اندیشه پاک گوهر ملای رومی آنچنان قدر کرم حضرت حق (جل و علا) را به جای آورده که زکات این درک را به اهدای ادراکات خود از مثنوی معنوی، به شرح آن برای گدایان کوی علم و معرفت پرداختند. نیازی به معرفی یکایک شروح و آثار گذشتگان و معاصرین در خصوص مثنوی معنوی و حضرت جلال‌الدین مولوی نیست که شارح زمانی خود در متن کتاب به آنها اشارت دارد.

حقیر از زمان انتشار جلد نخست «شرح جامع مثنوی معنوی» جناب کریم‌زمانی؛ پیوسته در پی نقد و نظرها و تقریظ‌هایی بودم که بصورت شفاهی از زبان بعضی عزیزان ارجمند مولوی دوست و مولوی‌شناس و یا کتبی در مجلات و مکتوبات ارائه می‌شد. به هرکدام که دست یازیدم، به کوش جان می‌شنودم و به چشم سر می‌خواندم.

دقت خوانندگان شرح بالاخص توجه

مولوی‌شناسان کرسی نیکلسون در دانشگاه کمبریج و همچنین خانم آنهماری شیمل در ارائه نظریاتشان برابیم شگفتی و تحسین می‌آفرید. تقریظ‌های استادان گرانسنگی همچون عبدالحسین زرین‌کوب (رحمة‌الله) سیدجعفر شهیدی، محمدرضا شفیعی کدکنی، عبدالکریم سروش و اسماعیل حاکمی و... یک به یک بر این باور افزود که شرح، شرح عصر و زمان ماست و قابل ذرک نسل جوان ما. تولدی مبارک و میمون در میان شروع تاکنون.

نثر شیوا، متن خوانا و جملاتی گویا و منسجم، محصولی از شارحی فرهیخته که به یمن تسلط وی بر دوزبان فارسی و عربی و بالاخص کمندانازی ایشان بر گنجینه لغات و واژگان مناسب و دل‌انگیز زبان فارسی و عربی و استاد بر شروع دیگر و معتبر، هر یک بر جذابیت ظاهر و کارآمدی باطن شرح افزوده است.

مراجعة بی‌امان به مراجع و مأخذ و شروح قدما و معاصران و بهره‌گیری محققانه از آیات، روایات و احادیث، خواننده را مطمئن می‌نماید که شارح ارجمند قدر استاد به مأخذ و شناخت معارف را به جای آورده و تا آنجا که در توان داشته چیزی را از قلم نیانداخته است. بدون شک همه عاشقان مثنوی و مولانا در روزگار ما بر این باورند که شروح مدققانه و محققانه و ژرف‌کاوانه معاصرین همچون استادان علامه، فروزان‌فر و محدث‌تی جعفری به دلیل توجه آنها به مخاطبان خاص و عالم و اهل راه، بیشتر قابل درک و حوصله همان عزیزان است، و کار شارحان قدیم‌تر که معلوم و هرکس را یارای سوار شدن بر توسن نوشتار آنان نیست. اما متن آسان، روان و شرح عامه فهم استاد زمانی برای مخاطبی است که اگر حرف مولانا در جانش نشیند، یقیناً رهیافته خواهد بود و بس. جوانان را می‌گویم، ای کاش در برنامه‌های درسی دبیرستانی، دانشگاهی ما به این شرح عنایت شود تا هم معلم و هم متعلم هر دو از این چشمه جوشان ادب و معنا جام بگیرند و تشنگی برطرف نمایند و شاید که تشنگی آرند بدست. برای

امروز و جوانان باید کارهایی کارستان از این نوع به انجام رساند.

بدنیست در همین جا اشاره داشته باشم در نمایشگاه کتاب فرانکفورت آلمان که از قدیمی‌ترین و پرآوازه‌ترین نمایشگاه‌های کتاب جهان است، امسال غرفه‌ای را به مولانا و آثار حول و حوش آن در جهان اختصاص داده بودند و توجهی شگفت‌انگیز بر آثار وی معطوف داشته‌اند و به قول استاد شفیعی کدکنی این تازه از نتایج سحر است. پس حجت بر ما تمام است. تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی. نظامی، فردوسی، حافظ، سعدی و... اینها قله‌های کدامین نقطه این کره خاک هستند و ما برای شناساندن این قله به جامعه و عامه چه کردیم!...

هماهنگی نظم و نثر و استاد در این شرح آنقدر غیان است که بسی حیف است نسل جوان ما از این الگوی فرزانه بهره نگیرد. بسیار می‌توان نویسنده‌گی و اصول نگارش را از آن آموخت. بسیار می‌توان نکته‌های ظریف مثنوی را به زلالی از آن دریافت آنچنان که به دل نشیند. به این چند بیت و شرح آن از دفتر پنجم توجه کنید:

بشنو از عقل خود ای انباردار

گندم خود را به ارض الله سپار
(۱۵۲۶)

ای دارنده انبار، یعنی‌ای کسی که گندم ذخیره می‌کنی، گندم خود را به زمین خدا بسپار.

[منظور بیت: همه دارایی‌های خود را در طریق حضرت حق بکار بند.]


تا شود ایمن ز دزد و از شُیش

دیو را با دیوچه زودتر بکش
(۱۵۲۷)

تا از دزد و شپش در امان بماند. هرچه سریع‌تر شیطان و شیطانک را بکش. [لفظ «دیوچه» مصراع دوم را قدری مبهم کرده و سبب شده است که وجوه مختلفی از آن مستفاد شود. «دیوچه» مضمر «دیو» است. و آن

شرح جامع
مثنوی معنوی
د ف ر ش م

تألیف
کریم زمانی



انتشار کامل دوره ۶ جلدی، ۱۳۷۸، موسسه اطلاعات

شرح جامع مثنوی معنوی

کریم زمانی

انتشار کامل دوره ۶ جلدی، ۱۳۷۸، موسسه اطلاعات

آی نسیم سحری! یه دل پاره دارم، چن می خری؟

عمران صلاحی

دارینوش، بهار ۱۳۷۹

«آی نسیم سحری! یه دل پاره دارم، چن می خری؟» نام بلندی است بر دفتر شعری کوچک که نهایتاً ۱۱۲ صفحه است. این دفتر گزینه‌ای از اشعار چاپ شده و چاپ نشده عمران صلاحی طی ۲۵ سال شاعری وی از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۷۸ می‌باشد.

اشعاری که در این مجموعه گردآمده است طیف وسیعی از «منظومه» و «غزل» تا اشعار «سپید» و «هجایی» و «نیمایی» را شامل می‌شود و بلندترین آنها منظومه «سایه برگ» است که شش صفحه می‌باشد و کوچکترین آنها یک شعر چهار مصراعی در دوازده سیزده کلمه است:

چشمه خشک نیست

آب از صافی دیده نمی‌شود

با سنگریزه‌ای

آب را ببین! (ص ۶۵)

اشعار عمران صلاحی همواره از نگاه و دید خاصی برخوردار بوده است که در اشعار دیگر شاعران کمتر دیده می‌شود:

باد با پارچه نازکی مه، زخم شقایق‌ها را می‌بندد. (ص ۱۰)

از ویژگی‌های اشعار صلاحی زبان محاوره‌ای و ساده و روان آنهاست. به عنوان نمونه منظومه «سایه‌های برگ» را اینطور آغاز می‌کند:

قبل از همه چیز

یک جرعه سلام

یک جرعه نگاه

به سلامتی (ص ۱۰۷)

خود عنوان کتاب هم مؤید نظر ماست:

آی نسیم سحری!

یه دل پاره دارم

چن می خری؟ (ص ۸۵)

از عمران صلاحی بیشتر دو مجموعه شعر به نام‌های «گریه در آب» و «ایستگاه بین راه» به چاپ رسیده بود که در کل از هر دوی آنها دوازده شعر برای این مجموعه انتخاب شده است، اما نکته‌ای را که می‌خواستم بگویم اینکه چون عمران صلاحی طنز می‌نویسد و بخصوص به طنز نویسی مشهورتر است، عنوان کتاب هم کمک کرده بود تا مدت‌ها که کتاب را پشت وپشتین کتاب فروشی‌ها می‌دیدم فکر کنم با یک کتاب تمام عیار طنز روبرو هستیم!

ع.ا

ای نرینه باز، شیطان را که هر لحظه تو را از فقر می‌ترساند مانند کبک شکار کن. (ضمنی «ش» راجع است به «دیو» در بیت پیشین. مصراع اول اشارت است به مضمون آیه ۲۶۸ بقره که توضیح آن در شرح بیت (۴۳۲۷) دفتر سوم آمده است.)

در این چند بیت و شرح آن کمی بیشتر دقت کنید تا به ظرایف آنچه آمده بیشتر پی ببرید. در عین اینکه در چند خط بسیار کوتاه مفهوم مورد نیاز را منتقل می‌نماید، برای درک نظر شارحان دیگر و نیز ارائه شاهد بیشتر در حد لزوم و نیاز از منابع دیگر استفاده شده. ارجاعات و شماره آیات و تنظیم آنها در نهایت دقت و اختصار آمده (به صفحات ۴۱۷ و ۴۱۸ دفتر پنجم مراجعه شود).

چون نمی‌خواهم روز عیش استاد زمانی را می‌بذل کنم، ترجیح می‌دهم به محتوای شرح که به حق به نکات اصلی و مفاهیم آیات به قدر نیاز پرداخته است، بیش از این اشارت نداشته باشم. مولانادوستان را به شرح جامع حوالت می‌دهم، تا فیض عظمی را از سرچشمه توضیحات امهات کلام ملاجلال (به زعم امام خمینی «ره») ببرند.

تدوین و تنظیم مطالب، فهرست‌ها، اصطلاح‌نامه و کلید واژه‌ها، منابع و پانویس‌ها در هر دفتر از ویژگی‌های این اثر ماندگار است. جای آن است که در همین بند به ارائه وزن و خوب مجلدات اثر از جنبه حروفچینی، چاپ، تجلید و صحافی نیز اشاره نمایم و به کارکنان ایرانچاپ و مؤسسه اطلاعات خسته نباشید و مرحباً گفت.

ویرایش دفتر اول که با تجدیدنظری جامع بلافاصله پس از فراغت استاد زمانی از انتشار دفتر ششم انجام یافت و منتشر شد، اهتمام شارح را در ادامه منقح شرح نوید می‌دهد. حقیر شک ندارد که شارح صادق! آن نوروز که دست به کار این شرح آغاز کرد از چشمه عشق وضو ساخت و چار تکبیر بزد یکسره بر هرچه که هست.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات

کرمکی است که به جامه و لباس افتد و آن را تباه کند. بدان «بید» و «دیوک» هم گویند. زالو را هم «دیوچه» گویند. مراد از «دیو» شیطان است، و «دیوچه» در اینجا اسم علم برای حشره مذکور نیست بلکه ترکیب وصفی «دیو» + پسوند تصغیر «چه» است. یعنی شیطان کوچک و شیطانک. و مراد از آن شیطان صفتان و جمع عوامل شیطانی است. منظور مصراع دوم با توجه به این وجه: سلطه شیطان و شیطان صفتان را از وجود خود برانداز.

وجه دوم: مراد از «دیوچه» دیو عقل یعنی نفس اماره است که آفت عقل است.

وجه سوم: انقروی گوید «دیوچه» کنایه از عقل ضعیف اهل نفس است.

وجه چهارم را نیکلسون اینگونه گفته است: «به گمان من «دیوچه» در اینجا باید به همان معنی معمول خود، یعنی زالو باشد. شیطان چون خون در وجود انسان جاری است. (یَجْرِي فِيهِمْ مَجْرَى الدَّمِ) بنابراین زالو که کارش خون مکیدن است می‌تواند استعاره خوبی باشد برای عقل معاد که جان شیطان را می‌کاهد و سرانجام هلاکش می‌سازد...»

گرچه وجه اخیر قابل تأمل است، اما قدری تکلف‌آمیز است. بنابراین وجه اول مقبول‌تر است.

دو بیت اخیر تداعی می‌کند این سخنان حضرت مسیح (ع) را که می‌فرماید: «گنج‌ها برای خود در زمین نیندوید جایی که بید و زنگ زیان می‌رساند، و جایی که دزدان نقب می‌زنند و دزدی می‌نمایند، بلکه گنج‌ها به جهت خود در آسمان بیندوید، جایی که بید و زنگ زیان نمی‌رساند، و جایی که دزدان نقب نمی‌زنند و دزدی نمی‌کنند.» بنابراین مولانا در دو بیت اخیر می‌فرماید اگر همه داشته‌های خود را در راه حقیقت بکارگیری هیچ آفتی آن را تهدید نمی‌کند.

کو همی ترساندت هر دم ز فقر
همچو کبک‌کش صید کن ای تزه صقر
(۱۵۲۸)

سید کاظم حافظیان رضوی

شرحی به زلالی آب دیده

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / مرداد ۱۳۷۹

۳